



ویژگی‌های دوست واقعی در شرح حدیثی از امام صادق (ع)

در درس خارج فقه امروز حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، حدیثی از حضرت امام جعفر صادق (ع) بیان و «ویژگی‌های دوست واقعی» با توجه به این حدیث، شرح شد.

در درس خارج فقه امروز رهبر معظم انقلاب بیان شد؛ ویژگی‌های دوست واقعی در شرح حدیثی از امام صادق (ع) در درس خارج فقه امروز حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، حدیثی از حضرت امام جعفر صادق (ع) بیان و «ویژگی‌های دوست واقعی» با توجه به این حدیث، شرح شد.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، شرح حدیثی از حضرت امام جعفر صادق (ع) توسط مقام معظم رهبری در جلسه درس خارج فقه در تاریخ 20 دی‌ماه 89 (پنج‌م صفر 1432) بیان شد که به شرح زیر است:

«#؛الإمامُ الصادقُ عليه‌السلام: لا تكونُ الصداقةُ إلا بِحُدُودِها فَمَنْ كاتت فيه هذه الحُدُودُ أو شيءٌ منها فائسبُهُ إلى الصداقةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فيه شيءٌ وإلا فلا تنسبُهُ إلى شيءٍ من الصداقةِ فأولُها أن تكونَ سريرتُهُ و علانيتهُ لك واحدةً والثانيةُ أن يَرى رَيتَكَ و شيتَكَ شيتَهُ والثالثةُ أن لا تُعَيِّرَهُ عليك ولايةً ولا مالٌ والرابعةُ لا يمتنعُ شيئاً تناله مقدَّرتُهُ والخامسةُ وهي تجمعُ هذه الخصالَ أن لا يُسلمَكَ عندَ التكبّاتِ. (شافی، ص 651)

فی الکافی، عن الصادق (عليه‌السلام): «#؛لا تكون الصداقة الا بحدودها». صداقت (1) مرزهایی دارد که اگر این خطوط اصلی و این مرزها وجود داشت، صداقتی که آثار فراوان شرعی و برادری شرعی بر آن مترتب است، مترتب خواهد شد؛ والا نه. «#؛فمن كانت فيه هذه الحدود او شيء منها فانسبه الى الصداقة». حالا اگر همه حدود هم نبود، بعضی از این خطوط و مرزها باید باشد تا صداقت صدق کند.

«#؛و من لم يكن فيه شيء منها فلا تنسبه الى شيء من الصداقة فأولها ان تكون سريرته و علانيته لك واحدة». اول این است که ظاهر و باطنش با تو یکسان باشد. اینجور نباشد که در ظاهر اظهار دوستی کند، [اما] در باطن با تو دشمن باشد؛ یا اینکه دوست نباشد حداقل خیر تو را نخواهد. این اولین شرط صداقت است.

«#؛و الثانية ان يرى زينك زينه و شينك شينه»؛ [دوم اینکه] آنچه را که زینت توست، زینت خود بداند؛ آنچه عیب توست، عیب خود بداند. اگر شما به مقام علمی دست پیدا می‌کنید، یا یک کار برجسته‌ای می‌کنید که زینت برای شماست، این را برای خودش زینت بداند. اگر خدای نکرده چیزی در شما هست، صفتی، کاری، عملی که موجب عیب شماست، این را عیب خودش بداند؛ که طبعاً آثاری بر این مترتب است: سعی می‌کند برطرف کند، سعی می‌کند آن را پنهان کند. اینجور نباشد که منتظر بماند تا شما یک لغزشی پیدا کنید، خوشحال بشود از این لغزش. صداقت این نیست.

«#؛و الثالثة ان لا تعييره عليك ولاية و لا مال»؛ [سوم اینکه] اگر به یک قدرتی، حکومتی، ریاستی دست پیدا کرد، یا به یک مالی دست پیدا کرد، ثروتمند شد، وضعش با تو عوض نشود، تغییر نکند. بعضی‌ها اینجوری‌اند دیگر؛ با آدم رفیقند، به مجرد اینکه به یک مال و منالی، پولی، زندگی‌ای، چیزی می‌رسند، آدم می‌بیند اصلاً نمی‌شناسند آدم را. اصلاً نمی‌شناسد، کانه نمی‌شناسد آدم را؛ از این قبیل هم دیده‌ایم آدم‌هایی را. اینجور نباشد. داشتن مال و مقام او را عوض نکند، وضعش را با تو [عوض نکند].

«#؛و الرابعة ان لا يمتنعك شيئاً تناله مقدرته»؛ [چهارم اینکه] هر کار از دستش برمی‌آید، از تو دریغ نکند. خدمتی می‌تواند بکند، کمکی، وساطتی، توصیه‌ای، هر کار می‌تواند برای تو بکند و خیری به تو برساند؛ از این امتناع نکند.

«#؛و الخامسة و هي تجمع هذه الخصال ان لا يسلمك عند التكبّات»؛ [پنجم اینکه] در نکبت‌ها و رویگردانی‌های دنیا تو را رها نکند. [اگر] به یک مشکلی دچار شدی، [به یک] بیماری‌ای دچار شدی، سختی‌ای پیدا کردی؛ انواع و اقسام سختی‌ها دیگر - حالا در زمان ما ملاحظه می‌کنید؛ سختی‌های سیاسی و سختی‌های اقتصادی و حیثیتی و همه چی هست دیگر؛ انواعش را داریم می‌بینیم، که در گذشته در دوران‌هایی اینها را نمی‌دیدیم، لیکن حالا جلوی چشم ماست؛ امتحان‌ها فراوان است - [در] اینطور موارد تو را رها نکند؛ کمک کند.